

درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد

نجدعلی الماسی¹
بهنام حبیبی درگاه²

(تاریخ دریافت: 1391/02/16 - تاریخ تصویب: 1391/04/14)

چکیده:

معقول و متعارف بودن زمان و هزینه های طرح دعوی مدنی و فرآیند دادرسی را کیفیت دادرسی می نامند که باعث جریان بهینه دادرسی و کارایی آن می شود. کیفیت دادرسی، که از جمله تضمینهای بنیادین سیستم عدالت مدنی است، تأکید بر سازمان دهی مؤثر روابط حقوقی طرفین دعوا و دستگاه قضایی دارد تا از این طریق ضمن ارتقای کارکرد اجتماعی دادرسی، عدالت شکلی و ماهوی (= عدالت کارا) نیز تحقق یابد. در مقاله حاضر ابتدا به مفهوم دادرسی کارآمد و کیفیت دادرسی پرداخته و سپس، به ترتیب، به جایگاه و شاخص های کیفیت دادرسی اشاره کرده و نهایتاً به احصاء و تبیین عوامل ارتقای کیفیت دادرسی تمرکز خواهد شد.

واژگان کلیدی: دادرسی کارا، کیفیت دادرسی، زمان دادرسی، هزینه های دادرسی، امنیت حقوقی، امنیت قضایی.

1- نویسنده مسئول - استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Email: n.almasi@ut.ac.ir

2- دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.

مقدمه:

از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی، اطلاع نداشتن و کم‌آگاهی از هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. طبیعی می‌نماید که آسیب‌های برشمرده، فلسفه دادرسی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید. مفهوم کیفیت دادرسی، که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد. از جمله عناصر کیفیت دادرسی، «زمان دادرسی» و «هزینه‌های دادرسی» است که در صورت توجه به این دو عنصر در سیاست‌گذاری‌های راجع به رهیافت‌های بهبود و ارتقای کیفیت دادرسی می‌توان به ذخیره زمانی (= صرفه جویی در زمان) و درونی کردن هزینه‌های دادخواهی دست‌یازید. کیفیت دادرسی در ادبیات داخلی بیشتر با رویکرد سلبی از قبیل اطلاع نداشتن دادرسی، هم‌در رویه قضایی و هم‌بین‌دکترین حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است (افشارنیا، 1389، ص 15 و سامع، 1385، ص 22) و در ادبیات بین‌المللی نیز، بیشتر با رویکرد ایجابی و در قالب مفاهیمی همچون دادرسی معقول و متعارف، دادرسی سریع، همکاری حداکثری در جریان دادرسی، بهداشت حقوقی-قضایی و غیره مورد توجه بوده است (Drahozal, 2002, p.3). از جمله مقررات بین‌المللی و یا فراملی مرتبط را می‌توان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده 9)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده 6) و اصول آیین دادرسی مدنی فراملی (ماده 1 و 7) نام برد. پیش‌شرط تحقق کیفیت دادرسی از مرحله داده‌های حقوقی و قوانین استاندارد (امنیت تقنینی) تا مرحله انضباط ساختاری سیستم قضایی و تأمین نیروی انسانی و کادر قضایی متخصص و مجرب است (امنیت قضایی). اثر استقرار کیفیت دادرسی نیز تأمین عدالت، توسعه حقوق، بازده اقتصادی کلان، تولید امنیت و احساس امنیت، تحقق حقوق شهروندی و دموکراسی ماهوی، بازدهی حداکثری فرآیند دادرسی و مصادره اعتماد عموم به دستگاه عدالت مدنی است.

در مقاله حاضر ابتدا به مفهوم دادرسی و دادرسی کارآمد (کیفیت دادرسی) اشاره و در ادامه به جایگاه داخلی و بین‌المللی کیفیت دادرسی و عناصر آن پرداخته خواهد شد. در خاتمه نیز، به اختصار، عوامل ارتقای کیفیت دادرسی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

1- مفهوم دادرسی:

دادرسی در معنی اخص خود به معنی «رساندن داد به تظلم خواه» (مفهوم ماهوی) و در معنی اعم به معنای «فرآیند راجع به اختلاف مدنی» است (مفهوم شکلی) و دارای سه شرط وجود اختلاف، طرح آن (= دعوا) و ذینفع بودن دادخواه است. در ذیل به مفهوم حقوقی و اقتصادی دادرسی اشاره خواهد شد.

1-1- مفهوم حقوقی دادرسی:

دادرسی به لحاظ لغوی مفهومی ترکیبی از دو واژه «داد» و «رسی» است. داد در لغت پارسی به معنای عدل، قسط و فغان آمده (دهخدا، 1385، ص 1218- معین، 1388، ص 509 و صدری افشار، 1388، ص 906) و «رسی» نیز افاده معنی رسیدن دارد (دهخدا، پیشین، ص 1471). بنابراین دادرسی به معنای به داد کسی رسیدن می باشد. مفهوم اصطلاحی دادرسی از مفهوم ادبی و مادی آن دور نیست و در حقوق نیز دادرسی مستتر در آیین دادرسی به قصد رسیدگی به داد دادخواه (= دادخواهی) است. به لحاظ تاریخی نیز که ادبیات پارسی پوسته انداخته و معادل سازیهای عمومی و تخصصی نیز، بنا به فراخور زمان تحقیق، صورت گرفته است؛ دادرسی به جای اصطلاح «محاکمه» لحاظ شده است. حال آنکه خود اصطلاح محاکمه نیز به جای عبارت «دستور» و دستورالعمل به کار برده شده است. به عنوان مثال قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام (1325 ه.ق)، قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری (1314 ه.ش) و قانون دادرسی ارتش (1290 ه.ش) به ترتیب از اصطلاحات «دستورالعمل»، «محاکمه» و «دادرسی» استفاده کرده اند.

واژه «دادرسی» دو معنای عام و خاص حقوقی دارد. معنای عام افاده «فرآیند» دادرسی و در واقع، تشریفات اعمال قانون بر موضوع مورد تنازع است (دادرسی فرآیندی). معنای خاص دادرسی آن را از اصطلاحاتی همچون «آیین» دادرسی و «دادخواهی» تفکیک می‌نماید و اشاره به محتوای دادرسی، که همان اقامه قسط و عدل است، داشته و در بردارنده دادرسی ماهوی است (دادرسی موضوعی). با دقت در مواد گوناگون آیین دادرسی مدنی جدید (1379) می‌توان هر دو معنی عام و خاص را از لابلای مواد قانونی استنباط نمود.

واژه دادرسی، از یک منظر، به دادرسی عمومی و دادرسی خصوصی تقسیم می‌شود که دادرسی عمومی همان دادرسی دولتی و یا دادرسی رسمی است و جزء مصادیق اعمال حکومتی می‌باشد. لکن دادرسی خصوصی به دو معنی دادرسی شخصی و دادرسی جایگزین (مثل داوری) است (حبیبی، 1389، ص 203). دادرسی از منظر اقتصاد حقوق نیز تقسیم بندی‌هایی نظیر دادرسی کارآمد و ناکارآمد و دادرسی پیشگیرانه (Ex ante) و تدافعی (Ex post) دارد که در جای خود باید بدان‌ها پرداخت.

2- مفهوم اقتصادی دادرسی:

مفهوم اقتصادی دادرسی بدنبال «کارایی» و «بهینه» نمودن دادرسی و فرآیند آن است (Cooter, 2004, p. 179). بازخوانی قواعد راجع به دادرسی از منظر اقتصاد در دو سطح گسترده و محدود باید مورد مذاقه قرار گیرد که در ادامه تشریح می‌گردد.

2-1- مفهوم گسترده دادرسی:

مفهوم گسترده دادرسی از دریچه اقتصاد معادل کلمه انگلیسی Procedure (=آیین دادرسی) است و اشاره به خط مشی‌های کلان در راستای مدیریت جریان دادرسی مدنی بین بازیگران آن - اعم از طرفین و دادرس - داشته و به همین دلیل قائل به الگوهای دادرسی از قبیل خصوصی سازی دادرسی، دادرسی‌های جایگزین، تخصص‌گرایی در

دادرسی و غیره است (parker,2000,p.5). لزوم بهره بردن از تکنولوژی های روز در جهت دادرسی از قبیل طراحی سامانه الکترونیکی دادرسی، کاربست ابزارها و توانمندیهای اینترنتی در فرآیند دادرسی (IT) و همچنین ملاحظه دو عنصر زمان و مکان در قوانین راجع به حقوق شکلی مطمح نظر بوده و «تمرکز زدایی قضاوتی» را عامل توسعه و بسط فرهنگ حقوقی و تسهیل «قضاوت مشارکتی» می داند.

2-2- مفهوم محدود دادرسی:

دادرسی در این معنی معادل اصطلاح «کیفیت دادرسی» است. دو متغیر «زمان دادرسی» و «هزینه دادرسی»، به عنوان عناصر کیفیت دادرسی، نقش بنیادین را بر عهده دارند (Ibid&Hadfield,2007,p.51). بنابراین می توان، با اغماض، مفهوم محدود دادرسی را معادل کلمه انگلیسی Trial قلمداد نمود که «حد ایمنی دعوا» و «حساسیت دعوا» را در گرو عناصر دو گانه بر شمرده می داند. بدیهی است که کیفیت دادرسی جلوه ای از دادرسی کارآمد و استه مرکزی آن محسوب شده و عامل پویایی قواعد شکلی محسوب می شود. در واقع، سیاست گذاری در جهت کیفیت دادرسی، باعث عقلایی نمودن فرآیند طرح و رسیدگی به دعوی شده و همچنین نسبت به شخص محق، ابزاری راهگشا و مؤثر و نسبت به شخص بی حق، ضمانت اجرای سریع، حتمی و قاطع به حساب می آید. کیفیت دادرسی دارای دو کارکرد در سطوح خصوصی (متداعیین) و اجتماعی است که در لابلای مباحث بعدی بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

3- جایگاه (تقنینی) کیفیت دادرسی:

منظور از جایگاه کیفیت دادرسی، میزان توجه و عنایت قانونگذار راجع به کیفیت دادرسی در فرآیند تصویب قوانین شکلی است. در اینجا به هر دو جایگاه داخلی و بین المللی کیفیت دادرسی، به اختصار، اشاره خواهد شد.

3-1- جایگاه داخلی:

با بررسی دقیق سند چشم انداز نظام که مبین سیاست های کلی نظام در عرصه های گوناگون و همچنین در عرصه «سیاست های کلی قضایی» است، می توان به مصادیقی از «کیفیت دادرسی» در آن پی برد. به عنوان مثال قسمت 9 از سیاست های کلی نظام به امر قضاء اختصاص داده شده است که مشتمل بر 17 بند است. از جمله تأکیدات سند چشم انداز در این عرصه را می توان «اصلاح ساختار نظام قضایی» (بند 1)، «نظام مند کردن استفاده از بینه و ادله» (بند 2)، «تخصصی نمودن محاکم» (بند 4)، «قطعیت احکام در زمان مناسب» (بند 6)، «یکسان سازی آیین دادرسی» (بند 7)، «تأکید بر استفاده از روش های جایگزین» (بندهای 8، 9، 17)، «گسترش توسعه حقوقی و آموزشی عمومی و تخصصی» (بندهای 10، 11، 16)، «تنفیح قوانین قضایی» (بند 15) و غیره نام برد. جملگی بندهای نام برده شده، جزء مصادیق «کیفیت دادرسی» به حساب می آیند.

رویکرد قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب 1379) به مسأله کیفیت دادرسی نیز، تاحدودی، قابل قبول می باشد. قانون بالا در جریان فرآیند دادرسی به «اصل سرعت»¹ (مثل مفاد مواد 117، 111، 314، 104، 133، 139، 295 و...) و «اصل دقت» (مثل توجه به رعایت مواعد، لزوم رعایت حقوق دفاعی طرفین و اصل تناظر) توجه داشته است و به لزوم شکل گیری «دادرسی معقول و متعارف» نظر داشته است. به همین دلیل در دوره «توسعه قضایی»، بین سالهای 1378 لغایت 1388، از جمله اهداف قوه قضائیه - با تأکید بر اصل 156 قانون اساسی - «استقرار نظام قضایی اسلامی کارآمد و نمونه» در پرتو اصولی همچون: تصویب قوانین و صدور آراء قضایی عادلانه مطابق با نیاز های جامعه و سازمان و تشکیلات قضایی مناسب بود. از جمله سیاست گذاری کلان و بلند مدت قوه قضائیه را می توان به «تخصصی نمودن محاکم و تقسیم کار»، «ایجاد نهادهای شبه قضایی»، «سرعت بخشیدن به رسیدگی ها

1- از جمله قوانینی که تأکید بر «تسریع در رسیدگی» را داشته اند می توان به قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی مصوب دوم اسفند ماه 1352، قانون تسریع محاکمات مصوب سوم تیرماه 1309 و قانون اعسار و اصلاح تسریع محاکمات بیست و پنجم آبان ماه 1310 نام برد.

و ازاله عوامل اطاله دادرسی»، «افزایش کارآمدی و کیفیت منابع انسانی» و... نام برد. بنابراین اقدامات درخور و قابل اتکاء، چه در قوانین و چه در رویه قضایی و مدیریت کلان سیستم عدالت، صورت گرفته است.¹

قانون برنامه 5 ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (1394 - 1390) نیز در فصل هشتم و ذیل عنوان حقوق قضایی (مواد 211 و 212) به طور مفصل به مصادیقی از کیفیت دادرسی از جمله تسریع در رسیدگی به پرونده ها (بندج ماده 211)، نهادینه سازی فرهنگ حقوقی (بند د 2 ماده 211)، ارتقاء کیفیت رسیدگی به پرونده ها (بند ز از ماده 211)، افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی (بند ح از ماده 211)، طراحی سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی و استاندارد سازی زمان دادرسی (بند ک از ماده 211) و... اشاره نموده است² که عناوین مذکور در ادامه و مشخصاً در مبحث «عوامل ارتقاء کیفیت دادرسی» تشریح خواهند شد.

3-2- جایگاه بین المللی:

اعلامیه حقوق بشر (1948)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند 3 از ماده 9)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند 1 از ماده 6) و کنوانسیون حقوق بشر اسلامی (1990 قاهره) به لازمه «معقول و متعارف» بودن فرآیند دادرسی تأکید دارند. در عرصه قوانین نمونه حقوق شکلی نیز می توان به «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی» در بند 1 و 2 از اصل 7 اشاره داشت که از جمله معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی را معقول و متعارف بودن زمان دادرسی قلمداد می نماید. در آیین دادرسی مدنی فراملی تأکید بر این قاعده متعالی است که «تأخیر در اجرای عدالت، نقض عدالت است» (حبیبی، پیشین، ص 152 و غمامی، 1386، ص 77). بنابراین برخلاف برخی مکاتب تحلیل اقتصادی حقوق از جمله مکتب

1- اطلاعات مذکور در آرشیو سایت دادگستری به نشانی www.dadiran.ir موجود است.

2- قانون یاد شده در شماره 19204 روزنامه رسمی، سال 66، مورخ 14 بهمن ماه 1389 قابل دسترسی است.

کلاسیک و ارتدکس افراطی، می‌توان با تکیه بر گزاره‌های مکاتب معتدل اقتصاد حقوق اذعان داشت که از جمله مبانی تحلیل اقتصادی حقوق عبارت از «مبنای عدالت» می‌باشد.¹ در رابطه با نگرش حقوق تطبیقی به امر کیفیت دادرسی نیز می‌توان به ماده 1 از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی ایالات متحده آمریکا² و بند های 1 و 2 از قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان اشاره داشت که تأکید بر تسریع در دادرسی و متعارف بودن زمان رسیدگی دارند (به نقل از محسنی، 1389، ص 291).

4- شاخص‌های کیفیت دادرسی:

از جمله عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش کیفیت دادرسی، عبارت از زمان و هزینه دادرسی می‌باشد. لازم به ذکر است که اگرچه زمان نیز جزئی از هزینه‌های دادرسی محسوب می‌شود، لکن به منظور پیروی از رسم دکترین حقوقی و، بعضاً، نگرش قانون‌گذاران، به طور مجزا، به احصاء این دو و تبیین آنها پرداخته خواهد شد.

4-1- زمان دادرسی:

یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی، زمان صرف شده است که حد ایمنی و حساسیت دعوا نیز در گرو آن است. معیاری که مبنای کارایی یا عدم کارایی که تعیین‌کننده بازدهی یا عدم بازدهی آراء دادرسی در حقوق شکلی می‌باشند، تلقی می‌شود.

1- بدلیل اینکه نخستین مطالعات و پژوهش‌های آکادمیک اقتصاد حقوق در کشور آمریکا و در دانشگاه شیکاگو و عموماً توسط اقتصاد دانان صورت گرفته است و از آنجایی که تفکرات شیکاگویی جنبش اقتصاد حقوق، کماکان، وجه غالب محیط‌های پژوهشی و آموزشی است لذا متأسفانه بازخوانی قواعد حقوقی از منظر ابزارهای اقتصادی دچار افراط شده است. به همین دلیل برخی از اساتید حقوق داخلی نیز تصور بر آن دارند که تحلیل اقتصادی صرفاً به اصولی همچون اصل هزینه - فایده متمرکز شده و نافی مبادی عدالت است. حال آنکه با پی بردن به حاق مسأله می‌توان به این نتیجه دست یازید که از جمله دغدغه‌های جنبش اخیر استقرار عدالت می‌باشد.

2- Federal Rules Of Civil Procedure 2010 (Rule1): These Rules govern the procedure in all civil actions and proceeding in the United States district courts, except as stated in Rule 81. They should be construed and administered to secure the just, speedy, and inexpensive determination of every action and proceeding”.

معیار زمان هم در شکل گیری حقوق و قواعد آن عنصری طلایی به حساب می آید و هم در مرحله اعمال و اجرای قواعد حقوقی نقشی بنیادین و کارا دارد. بنابراین زمان، سرمایه اصیل حقوقی است و تأثیر آن به اندازه ای است که گاهی به حقوق شکلی، حقوق مواعد و مهلتها نیز اطلاق می شود (Knutsen, 2008, p.37).

مفهوم زمان در رویکرد اقتصادی از دو منظر قابل بررسی است: مفهوم نخست انصراف به آسیب شناسی زمان در فرآیند دادسی (اطاله دادرسی) و راه های برون رفت از آن جهت تأمین صدور آراء مؤثری که باعث خشنودی و آرامش ذی حق در کنار قدرت اقناع کنندگی آن است، می باشد و مفهوم دوم زمان دایر مدار «استاندارد سازی و زمان بندی» رسیدگی به پرونده های حقوقی و، در واقع، تعیین «حداکثر زمان مصروف نسبت به یک پرونده» (الگوی کارسنجی) است.

به طور کلی، دو برداشت از مفهوم زمان وجود دارد: الف) مواعد و مهلت های مصرح در قانون و ب) مفهوم کارسنجی زمان. منظور از «زمان دادرسی» (به معنی اعم) اشاره به معیار کارسنجی است که طی آن تاریخ طرح لغایت تاریخ ختم و اجرای رأی محکمه بر مبنای میزان کار و فعالیت به دقت را منعکس می نماید (Zuckerman, 1994, p.358). بنابراین مراد از زمان در تحلیل اقتصادی حقوق شکلی، صرفاً زمان حقوقی (از قبیل مواعد قانونی و قضایی) نبوده بلکه شامل زمان فیزیکی - فصلی/عرفی - و زمان روانشناختی - آرامش متداعیین و عدم ایذاء روانی و استرس های ناشی از طول مدت دعاوی - نیز می شود (محسنی، 1389، ص 277).

به عنوان مثال ممکن است شخص الف جهت برنده شدن در دعاوی X دو سال تحمل نماید و از نظر حقوقی «برنده» شود در حالیکه به لحاظ اقتصادی، رأی صادره ناکارا و غیر مؤثر بوده و نه تنها نافذ واقع نشده بلکه همچنین باعث سردرگمی و احساس عدم امنیت قضایی و کاهش اعتماد به دستگاه قضایی را فراهم می آورد. پر واضح است که سه عامل اساسی در میزان زمان صرف شده دخالت دارند که عبارت از قانون، قاضی و طرفین

دادرسی است. نسبت به عامل قانون، تأکید بر تصویب قوانین استاندارد و بواقع بودن آن است. در خصوص عامل قاضی، توقع بر تخصص و تجربه قاضی از یک سو و مدیریت مشارکتی با طرفین دادرسی (اداره جریان دادرسی) و حسن نیت وی از سوی دیگر است. راجع به عامل طرفین دادرسی نیز تمرکز بر تلاش در راستای آموزش هدفمند و همگانی حقوق و روی آوردن به اصولی از قبیل گسترش خدمات حقوقی در قالب وکالت اجباری، جریان سازی شیوه های حل اختلاف جایگزین و... می باشد (حیبی، 1389(2)، ص 43).

قابل ذکر است که یکی از شاخص های مهم عقلانیت گرا بودن دادرسی درگرو کنترل زمان دادرسی است. از جمله ابزارهای کنترل زمان دادرسی را می توان رویکرد تقنینی، قضایی و قراردادی ذکر نمود. بنابراین تسریع معقول در فرآیند دادرسی (= استاندارد سازی زمان دادرسی) در معیت استاندارد سازی کیفی دادرسی (=حد دقت حداکثری) لازمه اصل عقلانیت حداکثری در دادرسی است. راهکارهای گوناگون جهت رسیدن به زمان استاندارد در دادرسی از سوی قانون گذاران و دکتربین حقوقی پیشنهاد شده است که در ادامه تبیین می گردند.

4-1-1- زمان مفید (نوعی):

صرف زمان توسط دادگاه جهت حل اختلافات را زمان مفید گویند (محسنی، 1389، ص 276). ذخیره زمان مفید معطوف به امکانات دستگاه قضایی و بهره بردن از تکنولوژیهای راجع به قضاوت و فرآیند دادرسی است. بنابراین امکانات سخت افزاری دستگاه قضایی از قبیل ساختمانهای مربوط به قوه قضائیه و گسترش جغرافیایی آنها از یک طرف و امکانات نرم افزاری دستگاه قضایی از قبیل میزان و کیفیت نیروی انسانی (اداری- قضایی)، تخصصی کردن امور، توسل به فرآیند دادرسی الکترونیکی و... به میزان بهره وری و کیفیت در این زمان و در نتیجه در دادرسی اثر گذار خواهد بود. نموده های زمان مفید شامل مدیریت دعوا توسط دادرس در ارزیابی ادله، استماع اظهارات و دفاعیات

طرفین، جهت دهی به آیین رسیدگی و پیش برد دعوا است (knutsen,2008,p.32). قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بند 1 از قسمت ط ماده 211 (توسعه فضای فیزیکی قوه قضائیه) و بند ح از ماده فوق (توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات جهت کارایی در خدمات حقوقی) اشاره به زمان مفید نموده است. در متن پیش نویس قوه قضائیه نیز که در 6 ماده مفصل جهت درج آنها در قسمت حقوق قضایی برنامه اشاره شده تدوین و پیشنهاد شده بود، مشخصاً، به مدیریت زمان رسیدگی در قالب توسعه بهداشت قضایی، عرضه خدمات قضایی الکترونیکی، دادرسی و ابلاغ الکترونیکی و غیره تأکید گردیده بود. اصل هفتم از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز بر این زمان تأکید دارد (حبیبی، 1389 (3)، ص 189).

4-1-2- زمان بهینه (شخصی):

زمان بهینه، بر خلاف زمان مفید که در بردارنده مواعد قانونی و قضایی بوده و اصولاً مقطوع و غیر قابل انعطاف می باشد، نوعی زمان شخصی (موردی) است که نقطه تهدید برای اطاله دادرسی نیز محسوب می شود. بنابراین زمان بهینه زمانی است که با توجه به ماهیت و طبیعت هر پرونده و پیچیدگی های آن و همچنین رفتار هر یک از بازیگران دادرسی و ادعاهای مطرح شده از سوی آنان معین می شود (محسنی، 1389، ص 277). به نظر می رسد که بتوان بجای عبارت زمان بهینه از عبارت جایگزین دیگری با عنوان زمان شخصی پرونده استفاده نمود. با این پیشنهاد و با اندکی تسامح؛ می توان از زمان نوعی پرونده به زمان مفید یا استاندارد یاد کرد و به زمان شخصی و خاص پرونده های مطروحه نیز زمان بهینه استخدام کرد.

بدیهی است که «زمان بهینه» از پرونده ای به پرونده دیگر متغیر است. به عنوان مثال زمان در پرونده های خانوادگی غیر از زمان در پرونده های قراردادی-تجاری است و به همین منوال زمان در پرونده های کیفری متفاوت از زمان در پرونده های حقوقی است.

برخی کشورها از جمله کشور ایران در قوانین موضوعه، علاقمند به تعیین حداکثر زمان بهینه می‌باشند. به عنوان نمونه می‌توان بند 3 از قسمت ک ماده 211 برنامه پنجم را نام برد که مقرر می‌دارد: «مدت زمان رسیدگی به پرونده در محاکم کیفری حداکثر 3 ماه و پرونده های حقوقی حداکثر 5 ماه بیشتر نباشد». در رویه قضایی ایران نیز برخی از دادگستریها مثل دادگستری سیستان و بلوچستان و دادگستری قم اقدام به تعیین حداکثر تشکیل جلسه های دادرسی را نموده اند.¹ به عنوان مثال توصیه شده است که برای دعوای خلع ید تا 2 جلسه وقت رسیدگی و تا 2 جلسه وقت نظارت نیاز است که مجموعاً نبایستی از 4 ماه بیشتر باشد. اگرچه واقعیت های موجود و حاکم بر دستگاه قضایی در رابطه با زمان بهینه بومی فوق الأشعار فاصله زیادی داشته و یأس آور است لکن نفس تأکید بر زمان بهینه و برنامه ریزی در این راستا قابل ستایش بوده و نشان از دغدغه ای مشترک دارد.

4-1-3- زمان قراردادی (قابل پیش بینی):

به قراردادی نمودن دادرسی و آیین آن، زمان قابل پیش بینی گویند. این زمان برآمده از تأثر سیستم قضایی رسمی از جنبش خصوصی سازی دادرسی و شیوه های حل اختلاف جایگزین است. در زمان قابل پیش بینی طرفین و دادرس دادگاه نسبت به یک برنامه زمانی توافق می نمایند که طی آن هر کدام از اقدامات حقوقی دارای زمان و تاریخ معینی می باشد. بنابراین اندازه گیری زمان با رضایت و توافق طرفین و دادرس دادگاه (به عنوان بازیگران دادرسی) تعیین شده و از طرح تا ختم و اجرای دادرسی بایستی از برنامه زمانی دادرسی تبعیت شود. به نظر می رسد که با توجه به مصادیقی از قبیل «توافق مکتوب طرفین به قطعی بودن رأی بدوی»، «امکان ارجاع اختلاف به داوری» و... می توان صرفاً در اختلافات حقوقی و نه کیفری، قائل به مبنا داشتن زمان قابل پیش بینی در حقوق ایران بود.

1- در این زمینه به کتاب «رسیدگی عادلانه به دعوای حقوقی با رویکرد تعیین مدت زمان رسیدگی» حاصل تلاش مرکز پژوهش معاونت برنامه ریزی و توسعه قضایی دادگستری استان قم، انتشارات نینوا، سال 1386 مراجعه شود.

اگرچه که به نظر، دارای محدودیتهایی از قبیل عدم امکان عدول زمان توافقی (قراردادی) از مواعد و مهلت های معین شده قانونی می باشد.

در فرانسه و در راستای قراردادی کردن دادرسی، تصویب نامه شماره 1678-2005 مورخ 28 دسامبر 2005 رویه ای را قانونی کرده است که به آن قراردادی کردن آیین دادرسی می گویند. به تعبیر بندهای 3، 4 و 5 ماده 764 کد آیین دادرسی مدنی این کشور، قاضی آماده ساز پرونده می تواند پس از توافق و کلای طرفین، تقویم آماده ساختن پرونده را تعیین کند. این تقویم شامل تعداد و زمان های تبادل لوایح و زمان ختم می شود و طرفین و دادرس را ملزم به رعایت می کند (محسنی، 1389، ص 279).

مجموع این زمان ها، به ویژه زمان مفید و بهینه، می تواند باعث عقلایی نمودن و ارتقای کیفیت دادرسی در قالب متعارف بودن زمان دادرسی را فراهم نماید.

4-2- هزینه (های) دادرسی:

هزینه های دادرسی دارای دو معنای عام و خاص است. معنای عام دربرگیرنده زمان، فکر و پول مصروف در دادرسی است که همگی آنها بنیان «ارزش و قیمت دعوا»¹ را بنا می نهند (knutsun, 2008, p.35). معنای خاص هزینه دادرسی نیز مشتمل بر هزینه های مادی (اعم از مستقیم و غیر مستقیم) و هزینه های معنوی است. البته می توان هزینه دادرسی به معنای اخص را صرفاً مشمول هزینه های مادی دانست که، اصولاً، دریافت نخستین (بدوی) از این اصطلاح، بین دکترین حقوقی و عوام، دربردارنده معنای اخیر است.

1- اصولاً در نظام های دارای آیین دادرسی شفاف و کارآمد، بدلیل قابل پیش بینی بودن نتیجه دعوی، امکان ارائه تخمین و ارزیابی قیمت دعوی نیز وجود دارد لکن بر عکس، چنانچه اصول و قواعد آیین دادرسی فضای قابل پیش بینی بودن نتیجه دعوی مطروحه را طرح ریزی نمایند؛ در چنین حالتی ارزش و قیمت دعوی در هاله ای از ابهام قرار گرفته و در نهایت مؤثر در انگیزه های اصحاب دعوا راجع به طرح دعوا، ادامه دعوا، انتخاب راهکارهای جایگزین و... است. به نظر می رسد حقی که در اینجا می توان پیشنهاد نمود عبارت از حق امنیت قضایی شهروندان در نظم و نظام حقوقی هر کشور است.

از منظر تحلیل اقتصادی، هزینه های دادرسی به هزینه های فردی-افاده معنی عام هزینه- و هزینه های اجتماعی (دولتی) منقسم می شود که مورد اخیر خود به دو قسم هزینه های اداری و هزینه های ناشی از اشتباهات تقسیم می شود (اسماعیلی، 1388، ص484). غرض از تحلیل اقتصادی، دستیابی به الگوی مطلوبیت هزینه ها در دو سطح فردی و اجتماعی جهت کارایی کیفیت دادرسی می باشد. باید اذعان داشت که در تحلیل اقتصادی آیین دادرسی مدنی هدف غایی ارتقای کیفیت دادرسی است. لذا از جمله مقدمات دستیابی به هدف پیش گفته تصویب قوانین کارآمد و وجود دادگستری کارآمد؛ هردو؛ است. در اینجا ابتدا به توضیح هزینه های فردی و اجتماعی دادرسی پرداخته و در پایان به عوامل مؤثر در کنترل هزینه های دادرسی به منظور دستیابی به کیفیت دادرسی اشاره خواهد شد.

4-2-1- هزینه های فردی و اجتماعی دادرسی:

همانطور که اشاره شد، هزینه های طرح دعوا تا خاتمه و اجرای آن، هم موقعیت مالی طرفین دادرسی را تحت تأثیر قرار می دهد و هم هزینه هایی را بر جامعه تحمیل می نماید. در ذیل به هر یک از هزینه های پیش گفته پرداخته خواهد شد.

4-2-1-1- هزینه های فردی دادرسی:

هزینه های فردی دادرسی را باید به طور زنجیره ای، چه از جانب دادخواه و چه از جانب دادخوانده، نگریست. در هر حال، هزینه فردی به هزینه مادی و معنوی تفکیک می گردد که هزینه مادی نیز به هزینه های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می گردند (همان). مراد از هزینه مادی مستقیم اشاره به هزینه های قضایی از قبیل هزینه های ابطال تمبر، هزینه بهره گیری از خدمات وکیل و مشاور حقوقی، هزینه های کارشناسی...، هزینه های ناشی از تودیع خسارات احتمالی، هزینه های مراحل گوناگون دادرسی تا قطعیت آن و غیره و

همچنین هزینه های اجرای آراء می باشد.¹ در قانون آیین دادرسی مدنی ایران (مصوب 1379) هزینه های فوق الذکر را می توان از منطوق مواد 53، 54، 519، 108 و 319 و نیز از از توجه به ماده 3 قانون وصول برخی از درآمدهای دولت (مصوب 1373 با اصلاحات بعدی) و آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری (1385) استنباط نمود.

هزینه های مادی غیر مستقیم مشعر بر «خسارت ناشی از محرومیت دسترسی به خواسته» می باشد (محسنی، 1389، ص 285) که در حقوق ایران به طور محدود، بی توجه به خسارات ممکن الحصول و تفویت منافع، مورد پذیرش قرار گرفته است. از جمله مصادیق خسارت مادی غیر مستقیم را می توان خسارات تأخیر تأدیه، خسارات قراردادی، از دست دادن فرصت ها و... نام برد. راهکارهای جبران خسارت این قبیل خسارات نیز در مواد 519، 521 و 522 از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده 1 قانون مسئولیت مدنی (مصوب 1339) پیش بینی شده است. اگرچه بیشتر این گونه جبران خسارتها، اسمی استند تا جبران خسارات واقعی. حال آنکه در تحلیل اقتصادی آیین دادرسی مدنی، هدف اجتماعی (عمومی) دادرسی کنترل هزینه دعوا، رفع واقعی اختلاف از طریق هدایت صحیح رفتار ترافعی متداعیین و ایجاد آرامش در روابط اصحاب دعوی جهت جلوگیری از طرح دعوی ایذائی و دعوی مکمل (پیرو) در آینده می باشد.

مقصود از هزینه های معنوی ناشی از دادرسی نیز، علاوه بر مطول بودن دادرسی - که به طور مجزا و ذیل بحث «زمان دادرسی»- تبیین گردید، اشاره به «عنصر رضایت» اصحاب

1- از جمله مباحث عمده در تحلیل اقتصادی آیین دادرسی مدنی مبحث هزینه دعوا می باشد که مفهومی گسترده تر از هزینه دادرسی دارد. به نظر باید هزینه دعوا (به معنای خاص) را متوجه هزینه های غیر مستقیم و هزینه های اجتماعی دانست که بستگی به عمق دعوا (ماهیت دعوا)، زمان دعوا، ساختار سیستم قضایی و نوع رابطه ترافعی اصحاب دعوا؛ که قدر مشترک درک متقابل آنها را محاسبه می نماید؛ از پرونده ای به پرونده دیگر متفاوت است. در خصوص هزینه دادرسی که قاعدتاً قابل پیش بینی است، اصل معقول بودن هزینه دادرسی، اصل تخصیص هزینه دادرسی و اصل انتقال هزینه دادرسی، سه اصل مهم اقتصادی به حساب می آیند.

دعوا بوده و مشخصاً معطوف به «مشروعیت دادرسی» است. چه اینکه صدور آراء غیر صحیح، آیین دادرسی نامناسب (مثل عقب ماندگی یا تورم قانونی)، نظام اداری پیچیده و سخت، فقدان فضای امنیت و احساس امنیت قضایی و غیره، «آرامش دادرسی» را از بین برده و باعث عدم اعتماد و اطمینان به دستگاه قضایی می‌گردد (Elger, 2000, p.39).

4-2-1-2- هزینه های اجتماعی دادرسی:

نقطه توجه هزینه های اجتماعی دادرسی راجع به هزینه ای اداری و هزینه اشتباهات است (دادگر، 1388، ص 544). هزینه های اداری در دو حالت هزینه های فضای فیزیکی و کالبدی دستگاه قضایی و هزینه های تأمین کادر اداری و کادر قضایی می باشد. عدم مدیریت صحیح داده های دستگاه قضایی، ستاده تولید هزینه های کلان را به همراه خواهد داشت. درخصوص هزینه های ناشی از اشتباهات نیز می توان به اشتباه کادر اداری و قضایی دستگاه قضایی در ابلاغ اوراق، صدور آراء و... اشاره داشت.

باید اذعان داشت که اندازه گیری هزینه اجتماعی دادرسی از تعسر برخوردار بوده و در محدوده تلفی و تخمین طرفین دعوا و دادرس (به عنوان بازیگران دادرسی)، قرار نمی گیرد. لکن عدم لحاظ هزینه های اجتماعی به منزله نبود این هزینه ها نیست. در حقوق موضوعه ایران اولاً نظام قضایی از سوبسید یا یارانه قضایی در دعاوی و پرونده های مطروحه بهره می برد ثانیاً صرفاً در برخی از موارد، اشتباهات ناشی از تصمیم گیری قضایی باعث تولید مسئولیت مدنی می شود (اصل 171 قانون اساسی).

طبیعی است که در صورت کنترل و جهت دهی هزینه ها (مثل درونی کردن هزینه ها و یا انتقال هزینه ها)، می توان ضمن از بین بردن تعارض سطح مطلوبیت خصوصی و اجتماعی هزینه ها، به کارایی دادرسی و آراء متعاقب بر آنها دست یافت.

4-2-2- عوامل کنترل هزینه های دادرسی:

از جمله سیاست های کلان در جهت کنترل هزینه های دادرسی را می توان خصوصی سازی دادرسی، تخصص گرایی دادرسی و درونی کردن هزینه های دادرسی از طریق تصویب قوانین استاندارد در راستای تخصیص هزینه های دعاوی و دادرسی قلمداد کرد که در مبحث عوامل ارتقای کیفیت دادرسی بدانها پرداخته خواهد شد. از جمله سیاستهای خرد و فنی در این خصوص را می توان اصل «معقول و متعارف نمودن هزینه ها» و «نظریه انتقال هزینه ها» نام برد.

4-2-2-1- معقول و متعارف بودن هزینه ها:

دادرسی صحیح و عادلانه در گرو معقول و متعارف نمودن هزینه های دادرسی می باشد. منظور از اصل فوق الاشعار اشاره به هزینه های فردی دادرسی است که تأکید بر «عقلایی نمودن هزینه ها» در قالب مدیریت هزینه ها است. هرچند که ابزارهایی از قبیل «پذیرش اعسار»، «بهره مندی از خدمات وکیل معاضدتی»، «امکان دستیابی به خسارات قانونی و قراردادی» در مسیر «تحمل هزینه های دادرسی» قابل مثال و تأمل است. لکن تحلیل اقتصادی بدنبال بهینه سازی منطقی هزینه های دادرسی به منظور ارتقای کیفیت دادرسی است. به همین دلیل و در این راستا، تکیه گاه تحلیل اقتصادی بر توجه به وضعیت اقتصادی اصحاب دعوا و لحاظ اصل حسن نیت در دعاوی است (Miller, 1997, p.915 و محسنی، ص 290).

توجه به وضعیت اقتصادی اصحاب دعوا و سنجش طرف قوی با طرف ضعیف دعوا مورد توجه عدالت آیینی نیز می باشد. چه اینکه هزینه های دادرسی می تواند موجبات

ترک دعوا، پذیرش اکراه آمیز سازش و... را پدید آورد. در همین راستا بند 2 از ماده 1/1 قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان مقرر می‌دارد که: تا جایی که امکان دارد رسیدگی عادلانه به دعوا شامل الف) تضمین برابری طرفین ب) کاهش دادن هزینه‌ها و ج) رسیدگی به پرونده متناسب با: 1- میزان وجه مورد ادعا و خواسته 2- اهمیت پرونده 3- پیچیدگی مباحث و 4 - موقعیت اقتصادی هر یک از طرفین باید مورد توجه قرار گیرد (همان، 1389، ص 291).

در خصوص رعایت اصل حسن نیت دادرسی، که یکی از اصول کلی حقوقی نیز می‌باشد، می‌توان از منطوق بند 3 اصل 24 و بند 2 اصل 25 قانون آیین دادرسی مدنی فراملی یاد کرد. به موجب بند 3 از اصل 24 طرفین، پیش از آغاز دادرسی یا پس از آن، باید برای تلاش معقول و متعارف جهت تحقق صلح و سازش همکاری کنند. دادگاه در تصمیم خود درباره هزینه دادرسی می‌تواند به امتناع نامعقول و نامتعارف یک طرف در همکاری، یا به رفتار آمیخته با سوء نیت او در جریان تلاش برای صلح و سازش، استناد کند. بند 2 از اصل 25 نیز مشعر بر همین مفهوم بوده و مقرر می‌دارد «به طور استثنایی و در صورت فراهم بودن جهات موجه، دادگاه می‌تواند میزان هزینه‌هایی را که محکوم له استحقاق دارد محدود کرده یا از صدور به پرداخت آن امتناع نماید. دادگاه می‌تواند حکم به پرداخت هزینه‌ها را محدود به میزانی کند که گویای مخارج موضوعات دعوا در اختلافات واقعی است و هزینه‌های ناشی از مباحث غیر ضروری و غیر معقول را به طرف حاکم تحمیل نماید. دادگاه در زمان اتخاذ تصمیم راجع به هزینه‌های دادرسی می‌تواند با استناد به سوء رفتارهای شکلی و آیینی طرف در جریان دادرسی توجه نماید» (غمامی، 1386، ص 156).

بنابراین از جمله مصادیق سوء نیت را می‌توان «عراق» در طرح دعوا، سوء استفاده از مقررات شکلی، و... نام برد. در حقوق تطبیقی نیز چه در فرانسه (موضوع ماده 696) و چه در انگلستان (موضوع ماده 44) به این مهم توجه شده است. اصول فوق ضمن کنترل هزینه‌ها موجبات تضمین کارایی دستگاه قضایی را نیز فراهم خواهند نمود.

4-2-2-2- نظریه انتقال هزینه‌ها:

تحمل هزینه‌های نهایی دادرسی توسط یک طرف یا هر دو طرف دعوا را انتقال هزینه‌ها گویند. دو الگوی مرسوم در انتقال هزینه‌ها عبارت از «قاعده آمریکایی» و «قاعده اروپایی - انگلیسی» است. به موجب قاعده آمریکایی، «پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده هر فرد - اعم از دادخواه به منظور طرح دعوا و پیش برد آن و دادخوانده به منظور تدارک دفاع - می‌باشد» در حالی که قاعده اروپایی - انگلیسی بیان‌گر «تحمل هزینه‌های دادرسی توسط طرف بازنده» است (دادگر، 1388، ص 546 و حبیبی، 1389 (4)، ص 211). پر واضح است که در حقوق ایران نیز طرف بازنده بایستی که هزینه‌های دادرسی را متحمل شود.

در تحلیل اقتصادی ضمن تأکید بر استخدام الگوی مناسب با ماهیت دعاوی (مثل دعاوی خانوادگی و دعاوی قراردادی) توسط قانونگذار، بر امکان انعطاف «اصل انتقال هزینه‌ها» در عرصه قضاوت و دادرسی نیز اصرار دارد. به عنوان مثال تحمل حداکثری هزینه‌ها توسط اشخاص قوی (مثل شرکتها) و تحمل حداقلی هزینه‌ها توسط طرف ضعیف یا تحمل هزینه‌های ناشی از دعاوی خانوادگی (به غیر از دعاوی مالی زوجه) توسط زوج (به دلیل حقوق اقتصادی و مدیریتی زوج در نظام حقوق خانواده ایران) می‌تواند دست

دادرسی را در برقراری توازن و تعادل اقتصادی و نهایتاً پیگیری مقدمات تحقق عدالت، باز گذارد. اثر مفید دیگر انعطاف در انتقال هزینه ها می تواند احصاء مصادیق سوء نیت در دادرسی-از قبیل طرح دعاوی واهی، ایذایی و...- و تحمیل بخشی یا همه هزینه های دادرسی بر سوء استفاده گر باشد.

5- عوامل ارتقای کیفیت دادرسی:

از جمله سیاستهای کلان قضایی در راستای ارتقای کیفیت دادرسی و کارآمدی آن را می توان دو عامل رهیافت تقنینی و رهیافت قضایی دانست که در صورت تحقق این دو رهیافت، با «امنیت تقنینی» و «امنیت قضایی» در جهت ارتقای سطح کیفیت دادرسی مواجه خواهیم بود. در ذیل به این دو رهیافت اشاره خواهد شد.

5-1- رهیافت تقنینی:

رهیافت تقنینی به معنای «مدیریت داده های قانونی» در جهت طراحی و تصویب قوانین با کیفیت، مؤثر و استاندارد است. رهیافت تقنینی بایستی مشتمل بر امنیت تقنینی اشخاص در قالب استخدام اصولی همچون «اصل آزادی اشخاص» و «اصل عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی» و همچنین امنیت شکل گیری صحیح و مدبرانه حقوق از جمله «اصل شفافیت قانونی»، «اصل احترام به حقوق مکتسبه»، «اصل اعتماد مشروع» و... در محدوده دو عنصر طلایی حقوق - یعنی زمان و مکان - باشد. جملگی مصادیق این رهیافت به امنیت تقنینی (و نهایتاً به امنیت حقوقی) منجر خواهد شد. از جمله عوامل نقض امنیت تقنینی را

می توان تورم تقنینی، عقب ماندگی تقنینی، ابهام، تناقض، سکوت و خلأ تقنینی، انطباق ناپذیری تقنینی و... برشمرد (حبیبی، 1389(5)، ص 28).

رهیافت تقنینی نیازمند قانونگذاری با ویژگی های «اصالت اندیشه»، «زمان شناسی با آتیه نگری سازنده» و «توجه به حقوق تطبیقی و کنارگزاردن تعصبات غیر منطقی» است. مجموع ویژگیهای برشمرده باعث «توسعه حقوقی» خواهند شد (همان). توضیح مطلب اینکه در بحث قانونگذاری کارآمد، درجه اثر بخشی قانون برآمده از تدوین کارآمد قوانین و تنقیح بهینه آن است. بدیهی است که از جمله اصول حاکم بر تدوین قانون علاوه بر اصول ادبی و اصول فنی، رعایت اصول ماهوی از قبیل بومی گرایی، نیاز شناسی، بررسی تطبیقی، پیش بینی گرایی و غیره است. بنابراین تلاش برای تدوین قانون کارآمد، تحقیقاً، نیازمند اصالت اندیشه تقنینی در راستای بومی گرایی و انطباق حداکثری قانون مصوب با فرهنگ نهادینه شده جامعه می باشد.

در حقوق شکلی نیز، علاوه بر سیاست گذاری در سطح کلی حقوق، بایستی به دو مقوله درونی کردن هزینه ها و خصوصی سازی دادرسی¹ در این عرصه توجه نمود. مراد از درونی کردن هزینه ها، تصویب قوانین کارا جهت جلوگیری از هزینه های چندباره دستگاه قضایی و طرفین خصوصی است. حال آنکه منظور از خصوصی سازی دادرسی توجه به شیوه های حل اختلاف جایگزین از قبیل داوری در اختلافات و دعاوی - بخصوص دعاوی قراردادی و بازرگانی - است. خصوصی سازی دادرسی ضمن توجه به اراده طرفین دادرسی و پذیرش رأی صادره توسط طرفین مراجعه کننده، باعث طراحی سیستم برد - برد به جای

1- «نظریه خصوصی سازی دادرسی» برای نخستین بار توسط نگارنده مطرح شده است. این نظریه به دنبال تمرکز زدایی منطقی هرم دستگاه قضایی (عمومی/دولتی) در سطح کلان و همچنین، برون سپاری هوشمندانه حل اختلافات با تکیه بر نهاد های حل اختلاف جایگزین و نهاد های حل اختلاف مردم نهاد، در سطح خرد، است.

سیستم برد - باخت - موجود در دادرسی های دولتی - شده و از هزینه های سنگین دولتی نیز خواهد کاست (Shavell, 1995,p.32 و انصاری، 1387، ص153).

دقت در سیاست های کلی قضایی مندرج در چشم انداز سیاست های کلی نظام نشانگر اهمیت مسأله می باشد. چه اینکه عباراتی از قبیل «ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور» (بند 12 از بند ب)، «یکسان سازی آیین دادرسی» (بند 7 از قسمت 9) و... نشانگر توجه به رهیافت تقنینی می باشد.

5-2- رهیافت قضایی:

در رهیافت قضایی تمرکز بر ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری دستگاه قضایی است. تکیه بعد سخت افزاری بر توسعه جغرافیایی مجتمع های قضایی، استقرار صحیح و منظم ارگان ها و نهادهای زیر مجموعه دستگاه قضایی، تدوین دادرسیهای ویژه با هدف گذاری موضوع و اشخاص دعاوی، تخصصی کردن حوزه ها و شعب قضایی، توسعه دادن نهادهای شبه قضایی و مؤسسات حقوقی است. درحالی که موضوع بعد نرم افزاری متوجه برنامه های قضایی و کادر اداری- قضایی می باشد. گسترش نظام معاضدت و مشاورت قضایی، اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه، تدوین سیاستهای کلی قضایی در جهت تضمین کارایی دادگستری، آموزش همگانی حقوق و اموری مشابه آن، می تواند جزء برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت در دستگاه قضایی باشد.

در بخش کادر اداری- قضایی نیز تقویت دانش عمومی و حقوقی افراد، به ویژه قضات، بهره مندی از تکنولوژی های روز، برقراری امکان اداره مشارکتی جریان دادرسی با مدیریت دادرس و... می تواند باعث ارتقای کیفی دانش، شخصیت و مدیریت کادر قضایی گردیده و به تبع آن، کیفیت دادرسی را نیز ارتقا بخشد.

مفاد مواد 211 و 212 از قانون پنج ساله پنجم توسعه مملو از رهیافت های قضایی در مسیر ارتقای کیفیت دادرسی است که از جمله می توان به مواردی همچون «توانمندسازی دستگاه قضایی و تخصصی کردن ضابطان دادگستری» (بند 1 و 2 از قسمت ج ماده 211)، «تلاش در جهت گسترش فرهنگ حقوقی و ارتقای رفتار قضایی از طریق آموزش حقوق» (تبصره 2 و 3 از ماده 211)، «افزایش سرعت و کارایی ارائه خدمات قضایی از طریق فناوری ارتباطات و اطلاعات» (بند ح ماده 211)، «گسترش ارتقاء کیفیت دادرسی از طریق تشکیل دادگاه های اداری در استان ها» (بند 2 قسمت ز ماده 211)، «سیاست های کاهش زمان دادرسی از طریق سامانه های الکترونیکی» و تشریفات زدایی¹ (بند های 1 و 2 و 3 از قسمت ک ماده 211) اشاره نمود.

نتیجه گیری:

از جمله عوامل توسعه حقوق و گسترش فرهنگ حقوقی توجه به کیفیت دادرسی است. کیفیت دادرسی به منزله ارتقای سطح منافع خصوصی و اجتماعی ناشی از دادرسی است که به دنبال کارکردهای نوین دادرسی در قالب رهیافت های تقنینی و قضایی است. کیفیت دادرسی یکی از نمودهای اقتصاد حقوق شکلی است که مشروعیت دادرسی را در گرو «کارایی» آن تلقی می نماید. پیشرو بودن و توان حل اختلاف از جمله ویژگیهای دادرسی کارآمد می باشد. این نوع دادرسی در مقام ارزیابی کیفی فرآیند حل اختلاف است لکن نگاهی به سان رویه معمول به دادرسی ندارد. دادرسی کارآمد نه مفهومی مضیق

1- به نظر می رسد که یکی از اهداف مقنن محترم در قانون مذکور بسط و گسترش سیستم سامانه های الکترونیکی به منظور تسریع در فرآیند رسیدگی و تشریفات زدایی این فرآیند است. بیان این نکته حائز اهمیت است که در تحلیل اقتصادی آیین دادرسی مدنی، علاوه بر تشریفات زدایی از نوع بروکراسی (مثل حذف کاغذ بازی و ابزارهای مادی) تشریفات زدایی تقنینی از طریق تصویب قوانین استاندارد و کارآمد نیز محل نظر می باشد.

از دادرسی (= دادرسی ترافیعی) را عرضه می نماید و نه به اختلاف حقوقی (= اختلاف بالفعل) نظر دارد، بلکه نگرشی پیشگیرانه - جهت کنترل اختلافات بالقوه و احتمالی - و تدافعی به دادرسی دارد. غایت کارآمد بودن دادرسی عدول از تک کارکردگرا بودن دادرسی و عقلانیت گرایی حداکثری آن است.

اگرچه که واقعیت های موجود سیستم قضایی ایران با مفهوم «کیفیت دادرسی» فاصله دارد، لکن تصویب سیاست های کلی قضایی، به ویژه قانون پنج ساله پنجم توسعه، نشانگر توجه و دغدغه قانونگذار در این مورد می باشد.

منابع و مأخذ:

الف- منابع فارسی:

- 1- انصاری، باقر، (1387)، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، نشر میزان.
- 2- اسماعیلی، محسن، (1388)، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- 3- افشارنیا، طیب- مبین، حجت، (1389)، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، انتشارات خرسندی.
- 4- پور داوود، ابراهیم، (1384)، گات ها، کهن ترین بخش اوستا، انتشارات اساطیر.
- 5- پور استاد، مجید، (1387)، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، انتشارات شهر دانش.
- 6- حبیبی، بهنام، (1389)، تحلیل اقتصادی حقوق خصوصی، انتشارات مجد.
- 7- -----، (1389) (2)، مدیریت پیگیری پرونده، مجله مجد حقوقی، شماره 23.
- 8- -----، (1389) (3)، روش های حقوقی: وجه مشترک حقوق شکلی، مجله مدرسه حقوق، شماره 43.

- 9- -----، (1389)4، آسیب شناسی نظام تعلیم و تربیت حقوقی در ایران، مجله مدرسه حقوق، شماره 49.
- 10- -----، (1389)5، حقوق شهروندی و امنیت حقوقی، مجله مدرسه حقوق، شماره 53.
- 11- دادگر، یدالله، (1388)، **حقوق و اقتصاد**، نشر نور علم و دانشگاه تربیت مدرس.
- 12- دادگر، یدالله، (1386)، **مروری بر تحولات مقوله کارآیی در ادبیات اقتصادی (نظریه ها و کاربردها)**، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره 23، صص 143 - 103.
- 13- -----، (1389)، **مؤلفه ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم.
- 14- -----، 1386، **مروری بر تحولات مقوله کارآیی در ادبیات اقتصادی (نظریه ها و کاربردها)**، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره 23.
- 15- دهخدا، علی اکبر، (1385)، **فرهنگ متوسط دهخدا**، به کوشش ستوده، غلامرضا، انتشارات دانشگاه تهران.
- 16- سامع، علی، (1385)، **علل اطاله دادرسی در نظام قضایی ایران**، انتشارات آثار اندیشه.
- 17- عمید، حسن، (1379)، **فرهنگ فارسی عمید**، انتشارات امیرکبیر.
- 18- غمامی، مجید-محسنی، حسن، (1386)، **اصول آیین دادرسی مدنی فراملی**، نشر میزان.
- 19- محسنی، حسن، 1389، **اداره جریان دادرسی مدنی**، شرکت سهامی انتشار.

20- ویژه، محمد رضا- فنازاد، رضا- طاهری، آزاده السادات، (1389)، **مبانی نظری حق برخورداری از امنیت حقوقی با تأکید بر نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات مجد.

ب- منابع انگلیسی:

- 1- Cooter, Robert, (2000), **law and economic**, USA, Adision Wesley, Longman
- 2- Elger, Edward, (2000), **civil procedure: General Economic Analysis**, George Mason University press.
- 3-Drahozal, Christopher, **Ex ante selection of dispute for litigation** in: www.ssrn.com
- 4-Hadfield, K.Gillian, (2007), **the quality of law: judicial incentives, legal human capital and the Evolution of law**, University of southern California press
- 5-Knutsen, Erike, (2008), **the cost of costs: the unfortunate deterrence of everyday civil litigation in Canada**, Queens University
- 6- Miller, Geoffrey, (1997), **the legal-economic analysis of comparative civil procedure**, the American Journal of comparative law, vol 45
- 7- Rupert, Macy, (2007), **litigation cost strategies, settlement offers and game theory**, in: www.ssrn.com
- 8- Shavell, Steven, (1995), **Alternative Dispute Resolutions: an Economic Analysis**, chicaco University, in: www.ssrn.com.